

بررسی آثار اشارات طبي در قرآن بر پیشرفت علوم پزشکی نزد مسلمانان (1)



دانش پزشکی یکی از شاخه‌های علمی است که مسلمانان در مسیر تمدن خود در آن برتری یافتند و آنرا به اوج شکوفایی رساندند تا بدانجا که این دانش یکی از جلوه‌های بنیادی تمدن درخشان مسلمانان قلمداد می‌شود .

یکی از نویسندگان معاصر در این باره می‌گوید : « از اختراعات تمدن اسلامی و دستاوردهای جاوید آن علم پزشکی است. زیرا پس از اسلام پزشکانی به نیوغ دست یافتند که این علم را تا بالاترین درجه در آن زمان بالا بردند و از اساتید واقعی این علم بودند . که همچون چراغی درخشنده و نهري سیراب کننده حتي تا بعد از قرن هفدهم باقی ماندند . بطوریکه در قرن یازدهم دو کتاب طب از زبان عربی به زبان لاتین ترجمه شد که این دو کتاب زاد المسافر اثر ابن الجزار و کتاب الملکی اثر علی بن عباس بود . ترجمه آنها به جهان غرب روحی تازه بخشید . علیرغم اینکه ، مترجم آن کتابها به دروغ آنها را به خود نسبت داد . اما جهان اسلام ، پزشکانی را پدید آورد از جمله ابن الجزار و علی بن عباس و درراس آنها رازی و ابن سینا ، رازی که از استوانه های علم طب در میان مسلمانان بشمار میرود ، حدود 131 کتاب نوشت که تقریباً نیمی از آن درباره علم طب است غیر از کتابهایی که در طول زمان مفقود شده ، اما مهمترین آنها سالم مانده از جمله کتاب المنصوري والحاوي و رساله في الجدری والحصبه . این سینا که به عنوان طبیب و فیلسوف مشهور است و نیوغ طبي او از کودکی آشکار شد ، کتابهای طبي از جمله القانون دارد که دایره المعارف پزشکی بسیار مشهوری است و در قرن دوازدهم به زبان لاتین ترجمه شد ، و اهمیت جهانی یافت و سپس به بسیاری از زبانهای دیگر ترجمه شد و حدود 6 قرن مرجع جهانی در علم طب بود و مبنای آموزش در دانشگاه‌های فرانسه و ایتالیا و آلمان گشت1».

درباره منشاء و ظهور علم طب نظرات متفاوتی وجود دارد :

- 1- ساحران یمن ، اساس علم طب را بنا نهادند و آنها بیماران خود را در کوجه ها و معابر می گذاشتند تا افرادی که به این بیماری دچار شده و شفا یافته بودند از کنار آنها عبور کرده تا از علت شفای آنها آگاهی بدست آورند ، بعد آنرا بر روی لوح‌هایی می نوشتند و بر روی ستون‌ها آویزان می‌کردند.
 - 2- اختراع این فن را نمی‌توان به سرزمین یا قوم خاصی نسبت داد ، زیرا ممکن است وجود آن در بین قومی منقرض شده و چیزی از آثار آن باقی نمانده باشد ، سپس نزد قوم دیگری ظهور کرده باشد سپس در میان آن قوم فراموش شده باشد تا اینکه در دست دیگران ظاهر شود و اختراع و اکتشاف اقوام قبلی به آنها نسبت داده شود.
 - 3- اولین کسی که علم طب را تدوین کرد بقراط حکیم و سپس جالینوس حکیم و فیلسوف یونانی بود.
 - 4- مبداء صناعت طب ، وحی و الهام است و شیخ مفید گفته است : طب صحیح و علم به آن ثابت و طریق آن وحی است و علماء آن را از انبیاء دریافت میکنند و هیچ راهی برای شناخت حقیقی بیماری جزء با سمع و شنیدن و هیچ راهی برای شناخت دواء جزء توفیق وجود ندارد.
- اما باید گفت که طب از زمان پیدایش انسان بر روی کره خاکی آغاز شده که در آن زمان از بیماری رنج میبرد . اما با الهام از جانب خداوند به اموری که مداوای با آن امکان پذیر بوده دست می‌یافتند و بسیاری از درمان‌ها از راه راهنمایی‌های پیامبران (ع) به مردم بوجود آمده همان گونه که شیخ مفید گفته است ، مگر آنجا که از راه تجربه یا تضاد یا تفکر و ملاحظاتی ، پس از آگاهی بر طبیعت بعضی از اشیاء قابل مشاهده و ملموس به دست آمده باشد .
- درباره رواج طب پس از اسلام آمده است :

زمانی که محمد (ص) برای سعادت انسان و بشریت ظهور کرد ، طبیب آن زمان حارث بن کله بود که بیشترین اهتمام او به علم بهداشت بوده و به حجامت و حقن و عدم استحمام بعد از تناول غذا سفارش می کرد اما پس از انتشار اسلام در اندلس پزشکان و جراحان ماهری ظاهر شدند به طوری که دانشمندان طب در غرب از طریق مدارس عرب در اسپانیا و سیسیل و ترجمه کتابهای طبي عربی به زبان لاتین شناخته شدند و این دانشمندان عرب تا نیمه قرن شانزدهم جایگاه مهمی در میان جهان پزشکی داشتند و کتابهای عربی ترجمه شده به لاتین پایه و اساس علم پزشکی در دانشگاه های اروپایی بود6 .

درباره طب قبل از اسلام نیز چنین می نویسند:

« با مراجعه به تاریخ ملل و امتهای فاقد تمدن می بینیم که ارتباط محکمی بین سحر و طب وجود داشته و مردم بیماران خود را با سحر درمان میکردند و این ساحران و کهان ، بیماران را با طلسم و تعویذ و توسلات و تضرعات به الهه‌ها معالجه می‌نمودند ، بنابراین طب در آن زمان عموماً به کهان اختصاص داشت7»

نیز می گویند علاوه بر معالجه با تعویذ و طلسم و ذکرهایی که جن و ارواح شریر را دور می کرد ، در زمان جاهلیت معالجه بر مبنای بعضی از گیاهان و یا غسل که به تنهایی و یا مخلوط با مواد دیگر استفاده می شد و با معجزات و حجامت و قصد و نیشدر و بریدن اعضاء با آهن گذاخته صورت گرفته و بعضی دیگر می گویند که زخمهای عفونی و دمل‌ها را با مواد ضد عفونی درمان کرده و بیماریهای مسری را با پیشگیریهای بهداشتی معالجه نموده و زخمها را با طناب پانسمان می کردند8.

و باز در بررسی سابقه علمی عرب قبل از اسلام چنین مطالبی به چشم می خورد :

« دین اسلام در زمانی ظهور کرد که علم طب مراحل اولیه خود را می گذراند و خصوصاً عرب در این زمینه از سایر امتهای ضعیف تر بود زیرا فاقد يك حکومت مرکزی بود تا در سایه آن به عنصر آرامش و استقرار دست یابد و از آنجا زمینه رقابت و تلاش برای تحقیق در وی فراهم آید به استثنای حارث بن کله که شهرت او در طب فقط به خاطر

یاد گیری آن نزد جنّدي شاپوریان بود .

بنابر این جنبه مثبتی در بین عرب‌ها نمی‌یابیم تا برای آنها در پیشرفت علم طب در آن زمان سهمی قائل شویم ، و در تاریخ و علم هم آثاری ندارند تا بتوانیم به آن استدلال کنیم»9.

اما پس از ظهور اسلام مسلمانان در پرتو آموزش آیات الهی، به سوی دانش‌های آن زمان شتافتند به خصوص علوم پزشکی، که از اهمیت فراوانی در دین اسلام برخوردار است و درباره حضرت رسول (ص) اینگونه آمده است : « طیب دوابه»10 « زیرا پیامبر اسلام (ص) پزشک حاذقی بود که با طب خود برای معالجه بیماران در میان مردم می‌گشت . و با کلام نورانی به مردم پیشگیری قبل از درمان را توصیه می‌فرمود: « المعده بیت الداء و الحمیه راس کل دواء»11 « اسلام سعی دارد تا انسان را به سمت پیشگیری‌های بهداشتی هدایت کنند تا اصلاً در چنگال بیماری گرفتار نشوند . به طور کلی با نگاهی گذرا به کتاب توحید مفضل12 و تاملی کوتاه در برخی از مناظرات طبّی امام (ع) با پزشکان معاصرش می‌توان پی برد علوم و معارف کاملی که امام (ع) در زمینه طب داشته و پزشکان تا قرن‌ها آن را درک نکردند همگی منبع وحیانی و الهی دارند. با ملاحظه این گونه احادیث که به شکل علمی و دقیق موضوعات متعددی را بیان می‌کنند و یا بالاتر از آن وجود آیاتی در قرآن کریم که انسان را به سوی شاخه‌های مختلف علوم پزشکی متمایل میکند ، می‌توان علت عمده توجه و پیشرفت سریع مسلمانان در مسیر علم طب را دریافت. مقاله ای که تحت عنوان « از غار حرا تا آکسفورد» در کنگره بین المللی تاریخ پزشکی در اسلام و ایران ، در تهران سال 1371 ارائه شده ، به بررسی دقیق علل گرایش مسلمانان به سوی علم پرداخته و اینکه با چه ابزارهای مسلمانان در علوم پزشکی پیشرفت کردند و نیز چگونه اروپا به علوم پزشکی مسلمانان دست یافت و به عقیده نگارنده ، آیات قرآن و تعالیم پیامبر اسلام ، احگرهای فزوانی بودند که مسلمانان را به سوی دانش اندوزی سوق می‌دادند13. برخی از آیاتی که منشأ شاخه‌های مختلف علوم پزشکی و یا حداقل عامل سوق‌دادن مسلمانان به سوی این علوم بوده عبارتند از: « فلینظر الانسان ممّ خلق»14 این آیه می‌تواند دعوت انسان به تفکر و دقت در منشاء پیدایش انسان و مراحل خلقت او باشد. و یا:

« انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج»15

بدرستیکه ما انسان را از آب نطفه مختلط آفریدیم.

و یا : « فلینظر الانسان الي طعامه»16

پس انسان به غذای خویش بنگرد (و تفکر کند).

که دعوت به شناخت غذاها است .

و آیات فراوان دیگری که جای بررسی و مطالعه دارد ، به عنوان مثال برخی محققین منشا طب شرعی را قرآن میدانند : « در قصه حضرت یوسف (ع) ، درباره ادعای همسر عزیز مصر ، قرآن با ادله ای از جمله بررسی پیراهن حضرت (ع) و مواضع پارگی پیراهن ثابت کرده که وی بیگناه است و یا در ادعای برادران حضرت (ع) درباره اینکه گرگ اور اخورده ، خداوند می‌فرماید : ... و جاووا علی قمیصه بدم کذب ، که احتمالاً این مطلب دروغ بودن خبر را افاده میکند . بنابراین طب شرعی یک علم حقیقی است که درباره مجهول بحث میکند و امروزه شامل تخصصات دیگر در رشته های مختلف پزشکی میشود . طب شرعی ارتباط بین طب و قانون و عدالت را بیان می‌کند و این تشویق از جانب قرآن که مردم را به تاکید بر بینه برای آشکار شدن حقیقت و عدم اعتماد به شبهات دعوت می‌کند ، آمده است17: إن جانکم فاسق بنبا فتبینوا أن تصیبوا قوماً بجهالة فتصیحوا علی ما فعلتم نادمین >>

در مجموع می‌توان گفت قرآن کریم هم به موضوع بیماری پرداخته و هم نکات مربوط به بهبودی از بیماریها را مورد بحث قرار داده است ، آیاتی از قرآن نیز اختصاص به بیان رابطه عالم غیب و عالم طبیعت دارد : « اذقال الله یا عیسی بن مریم اذکر نعمتی علیک وعلی والدتک اذا آیتتک بروح القدس تکلم الناس فی المهد و کهللاً و اذ علمتک الکتاب والحکمه و التوراه و الانجیل و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی فتنفخ فیها فتنفخ فیکون طیراً باذنی و تبرئ الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی و اذ کففت بنی اسرائیل عنک اذ جنّتهم بالبینات فقال الذّین کفروا منهم إن هذا الاّ سحر مبین»18 >>

(به خاطر بیاور) هنگامی را که خداوند به عیسی بن مریم گفت: یاد کن نعمتی را که به تو و مادرت بخشیدم زمانی که تو را با روح القدس تقویت کردم، که در گاهواره و به هنگام سختی می‌گفتی، و هنگامی که کتاب و حکمت و تورات و انجیل را به تو آموختم، و هنگامی که به فرمان من، از گل چیزی به صورت پرده می‌ساختی و در آن می‌دیدي و به فرمان من، پرده‌ای و کورمادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من، شفا دادي و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می‌کردي و هنگامی که بنی‌اسرائیل را از آسیب رساندن به تو بازداشتی، در آن موقع که دلایل روشن برای آنها آوردی، ولی جمعی از کافران آنها گفتند: اینها جز سحر آشکار نیست.

پی نوشت:

1- ر.ک: رحله الکتاب العربی الی ديار الغرب فکراً و ماده، ص 201 و 203، و الموجز فی تاریخ العلوم، عند العرب، ص 91 – 100.

2 - عیون الابیاء، ص 12.2

3 - طب الامام الصادق، ص 7.3

4-مفتاح السعاده و مصباح السیاده، ج 1، ص 303.

5- البهار، ج 62، ص 75.

6- اثرالعلماء المسلمین فی الحضاره الاورویبه، ص 132- 134 و دورالعرب فی تکوین الفکر الاورویبی، ص 21-23 و نیز مجله علم الفکر المجلد العاشر، مقاله الطب العربی.

7- المفصل فی تاریخ العرب قبل اسلام، ج 8، ص 380.7

8- تاریخ طب در ایران، ج 2، ص 118.8

9- الآداب الطیبیه فی الاسلام ص 28.9

10- نهج البلاغه، خطبه 108.10

11- نهج الفصاحه، ص 25

12- مجموعه محاضرات امام صادق (ع) با شاگردش به نام مفضل بن عمر در اثبات توحید.

13- کارنامه پزشکی تمدن اسلامی، ص 84.

14- طارِق/ 5.

15- انسان/ 2.

16- عیس/ 24

17- رك: الطب الشرعي، ص 8 و القرآن و الطب الحديث، ص 281-283.

مریم شمس

معاونت پژوهشی و آموزشی